

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

خنجر بیداد

چارتگا، در این اواخر، عزم منبر میکنند
وز رقابت در خفا، ایجاد هر شر میکنند
ظاهراً باهم رفیق و، باطناً باهم رقیب
برستیژ آبرو، ایستاده، عرعر میکنند
سالتها این تیکه داران، دامن فرهنگ را
از جهالت پاره کرده، بسته بر سر میکنند
خنجر بیداد عریان، از غلاف نظم و نثر
واژه های دوستی را، قطع خنجر میکنند
از بساط خودنمایی، تن خری، ارزان و مفت
زین تجارت، جیب های خود پُر از زر میکنند
من نمی دانم، چرا، این نابکاران دغا
گوش مردم را ز عوعو، روز و شب کر میکنند
چون گدای معرفت، از خود ندارند چیزی
چیز مردم را گرفته، جامه در بر میکنند
گرچه شیطان لعین، استاد هر فسق و فساد

موتّر ابلّیس را ، با حُقه پنچر میکنند
ذوقِ فرهنگِ شدن باشد ، اگر بر خوشگلی
دعوتش منزل نموده ، شوقِ بستر میکنند
تشنه نام و نشان و ، گشنه عزّ و مقام
از برای کسبِ شهرت ، پشت بر خر میکنند
گر رسد القابِ خیراتی به ایشان از کسی
حلقه های بردگی ، در گوشِ باور میکنند
بین مردان و زنانِ اهلِ فرهنگِ جهان
رشته های دوستی را ، جر و بنجر میکنند
در حضورِ بابلان و ، عندلیبانِ وطن
قُد قُد و غمبُر به مثلِ مرغ و کفتر میکنند
کرگس و کلمرغ و بوم و باشه در باغِ ادب
نِق نِق و پِق پِق بسانِ زاغِ ابتر میکنند
پرده بردارد کسی ، از چهره اصلیّ شان
ناسزا گوئی ، به اولادِ پیمبر میکنند
« نعمتا » بگریز از این ناعقین و ناعقات
تّهمتی ، هم بر خدا و ، دین و ، رهبر میکنند